

<sup>۲</sup> هادی خسروی

<sup>۳</sup> محمد رضا راشد محصل

<sup>۴</sup> محمد اسماعیل حنفی

<sup>۵</sup> سید مرتضی حسینی

## چکیده

این کار پژوهشی تلاشی است در راستای معرفی آیت الله محمد حسین آیتی بیرجندی به عنوان یک عالم مذهبی و شاعری شیعی مذهب که تحت تأثیر آیات نورانی قرآن کریم و احادیث گهربار پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار- علیهم السلام - بوده است در مقاله‌ی حاضر ابتدا به معرفی احوال و آثار محمد حسین آیتی بیرجندی، ویژگی‌های سبکی و کاربرد صنایع ادبی در شعر وی پرداخته شده است. در ادامه شیوه‌ها و گونه‌های تأثیرپذیری از قرآن و حدیث و اهداف کاربرد آیات و احادیث، قالب‌های کاربردی قرآن و حدیث، کاربرد آیه و حدیث از جهت نوع قرینه، هدف‌های معنایی و انگیزشی از کاربرد قرآن و حدیث در دیوان دُرّ غلطان مورد بررسی قرار گرفته شده است. در قسمت پایانی این مقاله، اشعار و ابیاتی که به هر نحوی شاعر در سرودن آنها متأثر از آیات نورانی قرآن و احادیث پیامبر (ص) و ائمه (ع) بوده است استخراج شده، به دلیل کثرت اشعار مورد نظر، نمونه‌هایی از این اشعار به همراه آیات و احادیث مورد نظر آمده است.

**واژگان کلیدی:** محمد حسین آیتی، پیامبر اکرم (ص)، ائمه اطهار (ع)، قرآن کریم، حدیث.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> این مقاله برگرفته شده از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند تحت عنوان "تأثیر قرآن و حدیث در دیوان دُرّ غلطان آیت ... محمد حسین آیتی" نویسنده مسؤول می‌باشد.

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند

hadi.khosravi20@yahoo.com

<sup>۳</sup> استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

<sup>۴</sup> استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند

<sup>۵</sup> استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند

ای نام تو زیب و زینت دفتر  
وز نام تو نوک خامه نی شگر  
پوشیده ز جود خلعت هستی  
برقامت کائنات سرتاسر  
اندر بر نعمتش زبان قاصر  
و اندر بر رحمتش بیان اقصر  
در طبع نهاده گنج دانش را  
تا مایه کند از آتش دانشور

(آیتی، 1346: 34)

سپاس و ستایش خداوندی را که انسان را آفرید و او را اشرف مخلوقات عالم قرار داد و پیامبران را برای راهنمایی و هدایت بشر فرستاد تا او را به صراط مستقیم و بهشت جاودانی راهبر شوند.

در کشور عزیز ما ایران بیش از هزار سال است که شاعران و نویسندگان والامقام، سخنان منثور زیبا و اشعار نغز دلربا به زبان فارسی دری نگاشته و سروده و برای ما به یادگار گذاشته‌اند که مایه‌ی اصلی سخنان آنها نشأت گرفته از قرآن مجید و احادیث نبوی و معارف اصیل اسلامی است. یکی از این گویندگان والامقام که متأسفانه به‌خوبی شناخته نشده و ارزش و اعتبار اندیشه‌های والا و سخنان گهربارش را مردم زمان و حتی همشهریان‌ش چنان که باید و شاید در نیافته‌اند، آیت الله محمد حسین آیتی بیرجندی است.

آیت الله محمد حسین آیتی از عالمان آگاه، مبارز، مردم دوست، شاعر، مورخ و نویسنده چیره دستی بوده که بر علوم اسلامی احاطه داشته و از ذوقی سرشار و روح بلند شاعرانه برخوردار بوده است. مجموع کمالات و فضایل اکتسابی و خانوادگی، به همراه قریحه ذاتی، باعث شد با مهارت و توانی در حد کمال توانسته اشعاری شیرین، پخته و ارزنده را رقم بزند. آیتی در میدان شاعری فرمانروای ملک سخن است و بدون شک از مقتدرترین و پر احساس‌ترین و لطیف‌گوترین شاعران معاصر قهستان است. سخنش پخته و مشحون به مضامین قرآنی، تعالیم اسلامی و نکات عرفانی است. و از باورهای عمیق و ژرفای اندیشه‌های اسلامی و انسانی او سخن می‌گوید (زنگویی، 1385: 53).

در این مقاله سعی بر آن شده است که شخصیت این عالم و شاعر بزرگوار تا حدودی معرفی گردد. و به این سؤال که "آیا شاعر در تصنیف این دیوان از آیات قرآن، احادیث و روایات پیامبر و ائمه معصومین استفاده نموده است؟" پاسخ داده شود.

## ۱- احوال و آثار آیت الله محمد حسین آیتی بیرجندی

ضیاءالدین شیخ محمد حسین آیتی که پدرانش پیوسته اهل فضل و علم و اجتهاد بوده‌اند، در سال 1310 قمری در نیمه ماه ذی‌القعدة الحرام در ولایت قاین متولد گردید. در شهر بیرجند که محل اقامت پدرش بود زندگی می‌کرد تا آنگاه که طبق معمول به مکتب رفت و از خواندن و نوشتن فارسی فارغ شد و جهت تحصیل عربی به مدرسه رفت و به معلم و استاد سپرده شد؛ در آن زمان یازده، دوازده سال داشت. چندی نگذشت، مادرش به رحمت خدا پیوست و اول زمان محنت وی آغاز شد. در اوان بلوغ و رشد در مصاحبت برادر بزرگوار خود شیخ محمد حسن، به مشهد مقدس مشرف گردید و چندی در محضر ادیب بزرگوار میرزا عبدالجواد نیشابوری رحمه الله به فراگیری علوم عربی و فنون ادبی مشغول بود. با توجه به قریحه ادبی که استاد در وی احساس می‌کرد خیلی به او لطف و توجه می‌نمود. کتاب مغنی و شرح شافیه نظام‌الدین و کتاب مطول و سبعه معلقه را در محضر آن استاد فراگرفت، متأسفانه چون آب و هوای آن سرزمین با مزاج وی سازگار نبود، مجبور به مراجعت به ولایت قاین و شهر بیرجند

شد و مدت یک سال در محضر پدر بزرگوارش به سطوح فقه و اصول مشغول شد. سپس سفر مکه معظمه پیش آمد، به مشهد مقدس مراجعت و به مکه معظمه مشرف گردید و اعمال حج و عمره به جا آورد. البته در این سفر جهت سیاحت از شهرهای قفقاز، تازه‌شهر و تفلیس و بادکوبه و از شهرهای ترکیه، روم، استامبول و قسطنطنیه و از شهرهای شامات، دمشق، بیروت، حلب و بغداد دیدن نمود و به زیارت حرم مطهر پیامبر اکرم (ص) در مدینه منوره و حضرات ائمه عراق در نجف و کربلا و کاظمین و سامرا نایل آمد و بعد از مراجعت از سفر مکه، به اصفهان مسافرت نمود و مدت دو سال در آنجا به فراگیری سطوح معقول و فقه و اصول مشغول بود و از محاضر درس مرحوم سید علی نجف آبادی در مدرسه چهارباغ، مرحوم حاج میرزا محمد صادق در مدرسه جده و مرحوم حکیم شیخ محمد الهی گنابادی در مدرسه صدر استفاده می‌نمود. سپس برای تکمیل مراتب فقه و اصول به نجف اشرف مشرف و مدت پنج سال از محضر درس مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت الله ضیاءالدین عراقی استفاده نمود و با عنایات ائمه اطهار و برکات آستانه مبارکه امیرالمؤمنین علی (ع) به درجه سامیه اجتهاد و قدرت بر استنباط رسید و از طرف علمای اعلام و مراجع تقلید، به اجازه صریح در فتوا و حدیث نایل گردید و بعد از مراجعت به ایران و اقامت در بیرجند که در سال 1343 قمری بود تا پایان عمر، به امر تدریس و موعظه و بیان مسائل و اقامه جماعت مشغول شد و عده‌ای را به درجه عالی رساند (آیتی، 1346: 328).

مؤلفات و مصنفات وی عبارت است از:

مشهورترین اثر وی بهارستان است که تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان نوشته شده است. مرحوم آیتی به دلیل کمبود امکانات و وسایل ارتباطی نتوانسته است همه بزرگانی را که در آن دوران، نام آور و صاحب اثر بوده‌اند در بهارستان یاد کند، در نتیجه تهیه ذیلی بر این کتاب لازم به نظر می‌آید.

کتاب فرائد العقول که درباره‌ی مسائل فقه و اصول است.

درالفرید فی ما رُوی عن سبط الشهید که در خطب و مواعظ و اشعار و کلمات قصار حضرت سید الشهدا (ع) است.

کتاب مثنوی مقامات الابرار که حاوی پنج دفتر و در چهارده هزار بیت است.

دیوان دُر غلطان، دیوان شعر شیخ است که دارای 346 صفحه و در سال 1346 به چاپ رسیده است (همان: 325 - 329)

## ۲- ویژگی‌های سبکی در شعر آیت الله محمد حسین آیتی بیرجندی

آیت الله آیتی به عنوان یک عالم و روحانی، شاعری است که بیشتر در زمینه سرودن غزلیات و قصائد، طبع آزمایی کرده است. دیوان در غلطان آیت الله آیتی شامل قصاید، مراثی، غزلیات، مسمطات، رباعیات، مثنوی گلشن حقایق، سایر مثنوی‌ها و قطعات و قصائد عربی اوست که در حمد و ستایش باری تعالی، نعت پیامبر گرامی اسلام (ص)، نعت حضرت علی بن ابی طالب (ع) و فاطمه زهرا (س) و ائمه معصومین (ع) تا توسل و ارادت به امام زمان (عج) و قصایدی در بیان مصیبت امام حسین (ع) در کربلا و رثاء ایشان سروده است.

اشعار او در موارد متعدد و مختلف متضمن حکمت، وعظ و اندرز می‌باشد و در این دیوان به مناسبت‌های مختلف، مانند در تهنیت عید فروردین، توصیف بهار، در میلاد مقدس امام رضا (ع) در وقایع ماه ربیع الاول و تهنیت ولایت و امامت حضرت ولی عصر (عج)، در موقع لوله‌کشی آب علی‌آباد به بیرجند، جشن درختکاری و در تشریف به مزارهای مختلف استان شعرهای مختلفی سروده است.

او در سرودن این دیوان به طور مستقیم جایی اشاره به تقلید از شاعری دیگر نمی‌کند، در یک مورد به تضمین غزل معروف شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی می‌پردازد که مطلع آن این‌گونه است:

آمد بهار و داد به باغ و چمن نوا      آراست روی باغ به آیین مانوی

(همان: 269)

و در پایان این غزل شعر حافظ را این‌گونه بیان می‌کند:

ساقی مگر وظیفه حافظ زیاده داد      کاشفته گشت طره و دستار مولوی

(همان: 271)

و در جایی دیگر شعر خود را به شیوه‌ی شعر حکیم نزاری می‌داند اما در عین حال خود را اقتدا کننده به حافظ شیرازی می‌داند:

بر شیوه‌ی "نزاری" اگر شعر آیتی است      گو اقتدا به خواجه شیراز می‌کند

(همان: 194)

در جایی دیگر از دیوان شعر خود، سخنوران ایرانی یعنی فردوسی، سعدی و حافظ را هم به نوعی در شعر خود تجلیل و یادآوری کرده و سخن و شعر پخته آنها را مایه‌ی بقای نام آنها می‌داند:

به روزگار که فانی شوند مردم دهر	نمی‌شود سخن و صاحب سخن فانی
بسی گذشته ز عهد امارت محمود	که هست نام ز فردوسی خراسانی
نمرده سعدی شیرازی و نخواهد مرد	به دهر تا که سخن باشد و سخن دانی
گذشت و آمد و شد هفتصد بهار و خزان	که بوستان و گلستان کند گل افشانی
بیا که بلبل شیراز در فنون ادب	کند به نغمه دلکش هزار دستانی

(همان: 265)

اما در یک مورد فقط به معارضه‌ی شعر حکیم نزاری می‌رود و می‌گوید:

بیا برخوان تو شعر آیتی را      که شد نسخ آیت شعر نزاری

(همان: 57)

### ۳- تصویر آیت الله محمد حسین آیتی بیرجندی در خلال اشعارش

آیت الله محمد حسین آیتی بیرجندی روحانی وارسته، عالمی بزرگوار و شاعری معتقد، مؤمن و با عزت نفس و قناعت پیشه بوده است. به همین دلیل، در خلال دیوان به قصایدی بر می‌خوریم که احساسات پاک او را نسبت به پیامبر گرامی اسلام و ائمه اطهار نشان می‌دهد و به برخی مطالب بر می‌خوریم که روحیات، اخلاق و صفات فردی او را که متأثر از اوضاع اجتماعی روزگار اوست بیان می‌کند.

در این بخش سعی بر آن است تا با جستجو در لابلا‌ی دیوان در غلطان، ویژگی‌های شخصیت شاعری وی تا آنجا که در توان فکری و سرمایه بینش و نگرش گردآورنده باشد تبیین گردد.

### 1-3- تربیت دینی و بن‌مایه‌های هنر شاعری

یکی از محورهای شعر آیتی منقبت‌گویی و حماسه‌سرایی دینی است. در باب شخصیت فکری - عقیدتی آیتی باید گفت او از جمله عالمان، مجتهدان و در عرصه ادبی، از شاعران شیعی مذهب عصر خویش بوده که اشعار او پر است از دلدادگی این عالم بزرگوار و روشن ضمیر به رسول اکرم (ص) و خاندان عصمت و طهارت به‌ویژه حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) که این مدعا را اشعار مدحیه و مراثی او در این دیوان به اثبات می‌رساند.

شمیم تحمیدیه‌ها در ستایش پروردگار، نعت نبی اکرم اسلام و خاندان مطهرش، راز و نیاز با پروردگار و طلب رحمت و مغفرت از درگاه احدیت سراسر دیوان این شاعر را معطر کرده است. آیتی ابتدای دیوان اشعار خویش را با قصیده‌ای مملع در توحید و ستایش پروردگار متعال و بعثت پیامبر اکرم آغاز می‌نماید.

رشحات فیضک آزرت، شجرات حبک والولا شجرات حبک اثمرت، بفواکه النعم البلا

(همان: 1)

عشق و ارادت آیتی به خاندان عصمت و طهارت به‌ویژه امیرالمؤمنین علی (ع) از سراسر دیوان ایشان تراوش می‌کند.

میر جهان، امیر مظفر علی علی کوه شکوه و شاه فلک فر علی علی  
شاهی که جلوه رخ او تافت از ازل آفاق را نموده منور علی علی

(همان: 8)

آیتی شاه ولایت را علی (ع) می‌داند و خود را غلام کمترین و حلقه به گوش او معرفی می‌نماید.

گر آیتی سخنی گوید از مدینه علم غلام حلقه به گوش در سرای علی است

(همان: 150)

آیتی هست غلامی ز غلامان علی خواجه‌اش در دو سرا خواجه قنبر باشد

(همان: 177)

آیتی بعد از نعت و منقبت علی (ع)، در چند قصیده به ترتیب در قصائد جداگانه به نعت و منقبت سایر معصومین حضرت فاطمه زهرا (س)، امام حسن (ع)، امام سجاد (ع)، امام موسی کاظم (ع)، امام رضا (ع) و امام جواد (ع) می‌پردازد.

یکی دیگر از محورهای شعری آیتی، شکایت از روزگار به پیشگاه حضرت ولی عصر (عج) است که در چند قصیده این موضوع را این‌گونه بیان می‌کند:

اندیشه نمود خسته جانم را بگداخت چو موم استخوانم را  
ای حجت عصر و سایه یزدان بشنو ز کرم دمی فغانم را  
در سایه‌ی خود شها پناهم ده برداشت فلک چو خانمانم را

(همان: 50)

کند آیتی شکایت ز زمان بی رعایت که از او کنی حمایت تو که صاحب الزمانی

(همان: 251)

حتی شکوه و گلایه آیتی از مردم زمان در جایی فراتر هم می‌رود که وجود خویش را در بین جُهل می‌داند.

به جان خواجه به مانند آیتی هیهات  
دگر سماحت اگر کشور خراسان کرد  
ولی چه سود که از بخت نامساعد خویش  
مُقام در بر جُهل در قهستان کرد

(همان: 205)

آیتی در بسیاری از ابیات و اشعار دیوان خود به سخنوری و شیرین سخنی خود اظهار فخر و مباهات می‌کند و آن را نعمتی از جانب پروردگار خود می‌داند.

یافت در عهد خودش آیتی از همت عشق  
نکته پردازی و لطف سخن‌آرایی را

(همان: 113)

به جان دوست به هر جا که رفته‌ام دیدم  
چو آیتی به خراسان سخن‌سرای نیست

(همان: 147)

لطافت غزل آیتی کجا، هیهات  
که این کرامت و این موهبت خداداد است

(همان: 158)

آیت الله آیتی به عنوان یک خطیب، روحانی و واعظ به تبلیغ دین می‌پرداخته و علاوه بر شاعری، در هنر خطاطی هم استعداد داشته است. اما گویا رقیبان حسود، مایه‌ی رنج و زحمت وی گردیده بودند. شعر او در این زمینه این مدعا را به اثبات می‌رساند:

ز علم و خط و خطابت، ز شعر و فضل و هنر  
مرا چه سود به جز زحمت رقیب و حسود

(همان: 174)

آیتی در بخش‌های پایانی دیوان خود شعری در بی‌وفایی اهل دنیا و پرهیز از دنیا دوستی - با تأسّی به سخن امیرالمؤمنین علی (ع) که فرمود: «كُنِيه الدُّنْيَا أَبُو الْفَنَاءِ وَ كُنِيهُ النَّاسِ أَبُو الْجَفَاءِ فَلَا تَرْجُ مِنَ الْفَنَاءِ بَقَاءَ وَ لَا مِنَ الْجَفَاءِ وَّفَاءَ» - می‌سراید و خوانندگان شعر خود را به پرهیز از دوستی به دنیا سفارش می‌کند و جهت صدق گفتار خویش اشاره به ليله المبيت می‌کند که امیرالمؤمنین به تمام پیروان خود درس وفا می‌دهد و خطر را می‌پذیرد و در بستر پیامبر می‌خوابد.

در این بستان گل صدق و صفا نیست  
همه رنگ است و بویی از وفا نیست

انیس و محرم دل آه باشد  
همان آه از دلت آگاه باشد

بیاموز از علی رسم اخوت  
خداوند کرم، کان فتوت

علی را بنگرید و مصطفی را  
بیاموزید آیین وفا را

علی در خوابگاه شاه خفته  
به جان خویش ترک عام گفته

(همان: 301)

### -2-3- شیوه‌ها و گونه‌های تأثیرپذیری از قرآن و حدیث و اهداف کاربرد آیات و احادیث

#### -1-2-3- قالب‌های کاربردی قرآن و حدیث

این مطالب با بهره‌گیری از افاضات استاد محترم و گرانقدر جناب آقای دکتر محمدرضا راشد محصل در کتاب ارزنده‌ی نشانه

شناسی کاربرد قرآن و حدیث در ادب فارسی، تدوین شده است.

کاربرد قرآن و حدیث در ادب فارسی محدودیت ندارد و نمی‌توان قالب‌های آن را به چند صنعت بدیعی محدود کرد یا در چند نمونه منحصر شمرد. تصور چنین محدودیتی خود نشانه عدم آگاهی از گستردگی مضامین قرآنی و شیوه‌های کاربردی آن در ادب فارسی است. اشاره به برخی از صنایع بدیعی در اینجا بدین معنا نیست که مضمون‌های دینی به‌صورتی غیر از اینها، یا در قالبی دیگر نیامده است، بلکه شاید کاربرد آن در این چارچوب‌ها بیشتر باشد یا این صنایع که به برخی از آنها اشاره می‌شود ساده‌ترین وسایل انتقال معانی قرآنی باشد.

**3-2-1-1 ارسال المثل:** آوردن عبارتی مشهور یا پندآموز و حکمت‌آموزی است که مثل زدن به آن درست باشد و باعث استواری بنیه‌ی سخن و آرایش کلام گردد. ارسال المثل کاربردهای گوناگونی دارد در اینجا ارسال المثل تنها به‌عنوان یک صنعت بدیعی مورد نظر است.

نعمتی فوق ادب نیست خداوند کرم این چنین تجربه در حکمت لقمانی کرد

(همان: 168)

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَ مَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (قرآن، لقمان: 12).

«و به راستی لقمان را حکمت دادیم که خدا را سپاس بگزار و هر که سپاس بگذارد، تنها برای خود سپاس می‌گزارد و هر کس کفران کند، در حقیقت خدا بی‌نیاز ستوده است.»

**3-2-1-2 اشاره:** اگر بتوانیم با الفاظی اندک شنونده را بر معانی بسیار آگاه کنیم، چنین صنعتی را اشاره می‌گویند. اشاره ممکن است به آیه، حدیث، داستان یا غیر آن باشد.

ز اورثنا الكتاب، این نکته پیداست برو برخوان و یا بشنو ز قاری

(آیتی، 1346: 56)

اشاره به این آیه دارد:

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (قرآن، فاطر: 32).

«سپس این کتاب را به آن بندگان خود که آنان را برگزیده بودیم به میراث دادیم، پس برخی از آنان بر خود ستمکارند و برخی از ایشان میانه‌رو و برخی از آنان در کارهای نیک به فرمان خدا پیشگامند و این خود توفیق بزرگ است.»

**3-2-1-3 اقتباس:** در معنی گرفتن، آن است که گوینده در نثر یا نظم عباراتی از قرآن یا حدیث را به‌صورت بیان مطلب اصلی و ادامه سخن درج کند:

کجا تهران کجا شهزاده و این ده فسیحان الذی اسری بعیده

(آیتی، 1346: 305)

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ  
(قرآن، اسراء: 1).

«پاک و منزه است خدایی که در مبارک شبی بنده خود (محمد) را از مسجد الحرام (مکه معظمه) به مسجد الاقصا که پیرامونش را مبارک و پر نعمت ساخت سیرداد. تا آیات خود را به او بنماید که خدا به حقیقت شنوا و بیناست.»  
درج، از گونه‌های اقتباس است که گوینده در مقام تبلیغ و وعظ از آیات و احادیث بهره می‌برد و آن را به صورت نقل یا غیر آن روایت می‌کند.

به پای دار نماز و ز روزه جوی نجات رسول گفت که الصَّوْمُ جَنَّةٌ مِنْ نَارٍ

(آیتی، 1346: 76)

اشاره به این حدیث دارد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): (الصَّوْمُ جَنَّةٌ مِنَ النَّارِ) (کلینی، 1407ق. : 18)

رسول خدا (ص) فرمودند: «روزه سپر آتش جهنم است.»

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): (الصَّوْمُ جَنَّةٌ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ) (پاینده، 1366: 39)

رسول خدا (ص) فرمودند: «روزه سپر عذاب خدا است.»

**3-2-1-4 ترجمه:** برگرداندن آیه یا حدیث به صورتی است که خواننده را به اصل متن راهنما باشد و ظرفیت بازگشت به صورت اولیه را هم داشته باشد.

خاتم ملک ولایت می‌سزد آن‌را که وی در مناجاتش به دست سائل انگشتر نهاد

(آیتی، 1346: 7)

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (قرآن، مائده: 55).

«ولی شماست خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند، همان کسانی که نماز بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.»

خاص اخوت است عمومش به منزلت با مصطفی وزیر و برادر علی علی

(آیتی، 1346: 9)

پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود:

أَلَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَيْسَ نَبِيٌّ بَعْدِي؟

«آیا راضی نیستی که منزلت تو نسبت به من، مانند منزلت هارون نسبت به موسی باشد، جز آنکه پس از من پیامبری نخواهد آمد؟» (ابن حنبل، 1983: ج 2: 567).



**3-2-1-5 تزمین:** به وام گرفتن بیت، مصرع، یا عبارتی از دیگران است که بدون تغییر در شعر یا نثر آورده شود. این صنعت در کاربرد قرآن و حدیث به صورت گرفتن بخشی از یک آیه یا تمام آیه و ذکر آن در یک مصرع یا در چند عبارت صادق است.

برای دوستان گویی ز باغ روضه رضوان هزاران داستان داری ز قصر جنه المأوی

(آیتی، 1346: 108)

عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى (قرآن، نجم: 15).

«درهمان جا که جنه المأوی است».

**3-2-1-6 تلمیح:** همان اشاره است بدین معنی که گوینده در نظم یا نثر برای تأکید، تأیید و ... مطلب اصلی خود به قصه‌ای معروف، شرح حالی مشخص یا مثلی مشهور اشاره می‌کند. مانند:

ندانم چه شد، بخت برگشته ناگه که شد نجم آفل، که شد بخت سافل

(آیتی، 1346: 26)

اشاره به داستان حضرت ابراهیم (ع) و دریافت وحدت پروردگار از طلوع و غروب سیارات و ستارگان است. کلید معنایی (نجم آفل) برگرفته از این آیه است:

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ (قرآن، انعام: 76).

«پس چون شب بر او پرده افکند، ستاره‌ای دید و گفت: این پروردگار من است و آنگاه چون غروب کرد گفت: غروب کنندگان را دوست ندارم».

**3-2-1-7 حل:** برگرداندن آیه یا حدیث به صورتی که خواننده را به اصل متن راهنما باشد.

بگشای دیده موسوی، که همی ببینی و بشنوی طلعت لوامع حسنه و اضاء من افق العلی

(آیتی، 1346: 1)

وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى (قرآن، نجم: 7) «در حالی که او در افق اعلی بود». که تلمیح هم هست.

**3-2-2 کاربرد آیه و حدیث از جهت نوع قرینه**

الفاظ قرآن و حدیث علاوه بر آن که با عاطفه جمعی ما آشناست، جنبه تقدس آن، روح ما را در اختیار می‌گیرد و بر تأثیر و اهمیت سخن می‌افزاید. کاربرد آیات و احادیث از جهت نوع لفظ در آثار ادبی صورت‌های گوناگون دارد اما در هر حال، قرینه‌ای لازم است که ذهن را به اصل آیه یا حدیث یا مفهوم و منظور آن راهنمایی کند. طبیعی است که اگر این قرینه نتواند ارتباط لازم را برقرار کند یا وجود نداشته باشد، ممکن است غرض اصلی گوینده یا نویسنده حاصل نشود و خواننده از تمسک او به این لطایف ناآگاه بماند. در چنین حالی، استشهاد به آیه یا حدیث، اثر تأییدی یا تأکیدی نخواهد داشت. اینک به برخی از گونه‌های کاربردی قرآن و حدیث که آنها را می‌توان نشانه‌های لفظی و کلید معنایی دانست اشاره می‌کنیم.

## گونه‌های اصلی نشانه‌های لفظی

### 3-2-2-1 مفردات

3-2-2-1 ذکر نام سوره: که غالباً جنبه هشدار، انداز، تشویق، تهییج، قسم و مانند آن دارد.

سوره توحید گوید داستان از ذات پاک در صفاتش نیز قرآن علم الاسماستی

(آیتی، 1346: 62)

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (قرآن، توحید: 1 - 4).

«بگو اوست خدای یگانه، خدای صمد ثابت متعالی، کسی را نزاده و زاده نشده است، و هیچ کس او را همتا نیست.»

3-2-2-2 ذکر کلمه‌ای از آیه یا حدیث: که غالباً با ذهن‌ها آشناست و برای خواننده و شنونده شناخته است. مانند:

خود سایه ای ز لطف تو طوبی است در بهشت یک رشح‌های ز فیض تو تسنیم و کوثر است

(آیتی، 1346: 14)

و مِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ (قرآن، مطففین: 27) «ترکیب طبع آن شراب ناب از عالم بالاست.»

### 3-2-2-3 کلمات مترادف:

گر ید الله مرتضی نبود چرا کو در حرم پا به جای دست حق بر دوش پیغمبر نهاد

(آیتی، 1346: 7)

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَّا يَشِئْتُهُ اجْرًا عَظِيمًا (قرآن، فتح: 10).

«در حقیقت کسانی که با تو بیعت می‌کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند، دست خدا بالای دست‌های آن‌هاست، پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان می‌شکند و هر که بر آنچه با خدا عهد بسته، وفادار بماند، به زودی خدا پاداشی بزرگ به او می‌بخشد.»

### 3-2-2-4 کلمات متضاد:

بهشت اندر میان ناخوشی‌هاست سعادت در پی صد گونه خواری

(آیتی، 1346: 57)

فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ: إِنَّ الْجَنَّةَ حُقَّتْ بِالْمَكَارِهِ، وَإِنَّ النَّارَ حُقَّتْ بِالشَّهَوَاتِ (دستی، 1383: 244)

همانا رسول خدا (ص) همواره می‌فرمود: «گرداگرد بهشت را دشواری‌ها (مکاره) و گرداگرد آتش جهنم را هوس‌ها و شهوات گرفته است.»

### 3-2-2-1-5 کلمات هم ریشه اما تغییر یافته:

میشر مقدمش، پیمبران سلف ظهور او را بشیر جمله سماوی صحف

(آیتی، 1346: 281)

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (قرآن، صف: 6).

«و هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: ای فرزندان اسرائیل من فرستاده خدا به سوی شما هستم، تورات را که پیش از من بوده تصدیق می‌کنم و به فرستاده‌ای که بعد از من می‌آید و نام او احمد است بشارت‌گرم. پس وقتی برای آنها دلایل روشن آورد، گفتند این سحری آشکار است.»

### 3-2-2-2-6 کلمه‌های جانشین: که از جهت اشتقاق لفظی با کلمه اصلی پیوندی ندارند اما در همان معنی به کار می‌روند.

در مواردی از این نوع گاه ضرورت وزن و قافیه، گوینده را مجبور می‌کند تا در لفظ آیه نیز تصرف جزئی یا کلی کند.

مریم اگر ز دامنش عیسی ظهور کرد ام الائمه مادر شبییر و شیر است

(آیتی، 1346: 13)

این بیت اشاره دارد به داستان تولد حضرت عیسی (ع) که داستان کامل آن در بخش داستان‌های پیامبران ذکر شده است، منظور شاعر از شبیر و شیر، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) می‌باشد که جایگزین نام‌های حسن و حسین شده است.

### 3-2-2-2-2 ترکیب‌ها

### 3-2-2-2-1 ترکیب‌های اصلی: گاه لفظ راهنما یا کلید شناخت ترکیبی است که نماینده آیه، حدیث یا مثل قرار می‌گیرد

و غالباً غرض از کاربرد آن لفظ ترکیب است نه معنی آن و چه بسا که معنی تازه‌ای در ارتباط با آیه یا حدیث از آن ارائه شود. مانند دارالسلام در آیه 127 سوره انعام:

خواهی نسیم قدس ندیدی که روح بخش وادی السلام و روضه دارالسلام بود

(آیتی، 1346: 183)

لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (قرآن، انعام: 127).

«برای آنان نزد پروردگارشان سرای عافیت است و به پاداش آنچه انجام می‌دادند او یارشان خواهد بود»

### 3-2-2-2-2-3 ترکیب‌های تغییر یافته: مانند علم الاسماء برگرفته شده از آیه 31 سوره بقره:

سوره توحید گوید داستان از ذات پاک در صفاتش نیز قرآن علم الاسماسته

(آیتی، 1346: 62)

وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (قرآن، بقره: 31).

«و خدا همه معانی و نام‌ها را به آدم آموخت، سپس آنها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود اگر راست می‌گویید از اسامی اینها به من خبر دهید».

### 3-2-2-2-3 ترکیب‌های لفظی جانشین: در این نوع، بنا به ضرورت شعری، از آیه یا مضمون آن استفاده می‌شود و

ترکیبی تازه یا عبارتی ترکیبی، هم معنی با ترکیب یا عبارت قرآنی ساخته می‌شود.

ترکیب «سبحان من اسرى به لیلا سماوات العلا» در بیت زیر اشاره به آیه 1 سوره اسراء دارد که شاعر به گونه‌ای دیگر ترکیب جدیدی ساخته است.

شه شبروی که براق او بگذشته از فلک و ملک سبحان من اسرى به لیلا سماوات العلا

(آیتی، 1346: 3)

### 4-2-2-2-3 ترکیب‌های تمثیلی: مانند یدالله که برگرفته شده از آیه 10 سوره فتح می‌باشد، در شعر آیت الله آیتی به

صورت زیر به کار رفته و در بعضی از موارد به عنوان ضرب المثل نیز استفاده می‌شود.

گر ید الله مرتضی نبود چرا کو در حرم      یا به جای دست حق بر دوش پیغمبر نهاد

(آیتی، 1346: 7)

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (قرآن، فتح: 10).

«در حقیقت کسانی که با تو بیعت می‌کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند، دست خدا بالای دست‌های آنهاست، پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان می‌شکند و هر که بر آنچه با خدا عهد بسته، وفادار بماند، به زودی خدا پاداشی بزرگ به او می‌بخشد».

### 5-2-2-2-3 جانشینی: گاهی از یک مجموعه‌ی یاد شده در آیه یا حدیث چند مورد به گونه‌ی اشاره کلیدی نقل می‌شود و

غرض تمام آیه یا حدیث یا مثل است.

از سیر و بیاز و عدس و تره گذشتیم      المنه لله على المن و سلوا

(آیتی، 1346: 111)

وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُثَبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَ فُومِهَا وَ عَدْسِهَا وَ بَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَ الْمَسْكَنَةُ وَ بَاؤُ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ (قرآن، بقره: 61).

«و چون گفتند ای موسی هرگز بر یک نوع خوراک تاب نداریم از خدای خود برای ما بخواه تا از آنچه زمین می‌رویاند از قبیل سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز برای ما برویاند. موسی گفت: آیا به جای چیز بهتر خواهان چیز پست‌ترید؟ پس به شهر فرود آید که آنچه را خواسته‌اید برای شما در آنجا مهیاست و داغ خواری و ناداری بر پیشانی آنان زده شد و به خشم خدا گرفتار آمدند، چرا که آنان به نشانه‌های خدا کفر ورزیده بودند، و پیامبران را به ناحق می‌کشتند، این از آن روی بود که سرکشی نموده، و از حد گذرانیده بودند».

**3-2-2-3 نشانه‌های فارسی یا اشاره‌های مضمونی:** کاربرد آیه‌ها و حدیث‌ها، گاه بدون قرینه لفظی صریح یا بیان آشکار در جهت راهنمایی ذهن خواننده است. در این موارد، یا نشانه خاص عربی و فارسی که معنی یکی از کلمات یا ترکیب‌های کلیدی است آمده و یا مضمون و مفهوم آیه و حدیث که کلی و عام است خود راهنمای خواننده است. در بیشتر این موارد امر، نهی، خبر، هشدار، توصیف و ... مورد نظر است. مانند:

بیاموز از علی رسم اخوت      خداوند کرم، کان فتوت  
قریش آماده قتل نبی بود      بر این عزم اتفاق هر غبی بود

علی خوابید اندر خوابگاهش      زبانی تا نیابد ره به ماهش

(آیتی، 1346: 31)

این ابیات اشاره به آیه‌ی ذیل دارد که در لیله‌المبیت حضرت علی (ع) به خاطر رضای خداوند جان خود را به خطر می‌اندازد و در بستر پیغمبر (ص) می‌خوابد تا مشرکانی که قصد کشتن پیامبر را دارند با دیدن حضرت علی (ع) در این کار ناموفق باشند.  
وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ (قرآن، بقره: 207).  
«و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می‌فروشد و خدا نسبت به این بندگان مهربان است».

#### 4- هدف‌های معنایی و انگیزشی از کاربرد قرآن و حدیث در دیوان در غلطان

نحوه کاربرد آیه‌ها و استفاده از روایت‌ها و اشارت‌ها بسته به نوع هدف تفاوت می‌کند. برخی از اهداف معنایی کاربرد آیات و احادیث در شعر، در ذیل اشاره می‌شود.

**1-4- تیمن و تبرک:** نقل آیات و روایات چه به صورت اصلی و چه به فارسی، تقریباً در همه موارد علاوه بر استشهاد و تمسک یا جنبه‌های دیگر، عنوان تیمن و تبرک نیز دارد. گوینده کلام خود را با کتاب یا سنت مؤکد می‌کند، می‌آراید و برکت می‌بخشد و شنونده هم در برابر منطق استوار و قاطع قرآن و حدیث و مفاهیم قانع‌کننده و ساکت‌کننده آن، ناچار از پذیرش کلی یا ضمنی است.

بس نه من وَجْهَتْ وَجْهِيْ      گویم اندر این مقام      جمله ذرات جهان را منطق گویاستی

(آیتی، 1346: 63)

إِنِّي وَجْهْتُ وَجْهِيْ لِلذِّبْرِ فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (قرآن، انعام: 79).

«من از روی اخلاص، پاکدلانه روی خود را به سوی کسی گرداندم که آسمان‌ها و زمین را پدید آورده است و من از مشرکان نیستم».

ای نام تو زیب و زینت دفتر      وز نام تو نوک خامه نی شکر  
پوشیده ز جود خلعت هستی      بر قامت کائنات سرتاسر

(آیتی، 1346: 34)

گشایش کتاب‌ها با بسمله و سرعنوان مقدمه‌ها با نام خداوند علاوه بر تیمن و تبرک، بهره‌گیری از تأثیر شگرف نام پروردگار و به یاری گرفتن عاطفه و احساس شنونده نیز هست.

#### 4-2 تمسک و استشهاد: نویسنده یا شاعر از یک آیه یا حدیث خاص، برداشت‌های متفاوت می‌کند. در این حال، برای اثبات

ادعای خود آیه یا حدیثی را که با صراحت یا به تأویل، با آن ادعا در ارتباط است گواه می‌گیرد تا تأیید یا تأکید بر گفته‌های او باشد؛ شک و تردید را بر طرف کند و شنونده را به دریافت و قبول ادعا وادار سازد.

به پای دار نماز و ز روزه جوی نجات      رسول گفت که الصومُ جنهٌ من نارٍ

(آیتی، 1346: 76)

در اینجا شاعر برای اثبات ادعای خود مبنی بر نجات به وسیله روزه تمسک می‌جوید به حدیث پیامبر اکرم (ص).

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ (کلینی، 1407 ق: 18)

رسول خدا (ص) فرمودند: «روزه سپر آتش جهنم است».

#### 4-3 حکمت و پند: بجز دو مورد یاد شده در بیشتر جاها، نقل آیه یا حدیث یا ذکر مضمون و مفهوم آن در حقیقت القاء

حکمت و پند و تعلیم بایسته‌های اخلاقی است که این نوع را در ادب حماسی مثلاً شاهنامه و گرشاسب‌نامه، و ادب غنایی چون آثار نظامی و سعدی هم می‌توان دید. این اشاره‌ها غالباً نویسنده و شاعر را از تفصیل و اطناب بی‌نیاز می‌کند زیرا آیات و احادیث، خیرالکلام است و در عین اختصار، نهایت فصاحت و بلاغت را دارد، به حدی که گوینده یا نویسنده نیازی به شرح و تفسیر اضافی احساس نمی‌کند.

به خمر و میسرت آلوده نفس، پاک بکن      که از مکاید شیطان بود، شراب و قمار

(آیتی، 1346: 76)

در این بیت که اشاره به آیه‌ی ذیل دارد شاعر مخاطب خود را پند می‌دهد که از شراب و قمار، که از مکاید شیطان است دوری نماید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (قرآن، مائده: 90).

«ای کسانی که ایمان آوردید، شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه پلیدند و از عمل شیطانند، پس از آنها دوری کنید، باشد که ستگار شوید».

**4-4 بیان اعتقادات:** این هدف بیشتر در ادب تبلیغی و حکمی مصداق دارد که غرض گوینده و نویسنده از بیان مطلب، بازگفت اصول اعتقادی یا تبلیغ احکام شرعی است. نمونه این کاربرد را در اشعار ناصر خسرو و مجالس و مواعظ به جای مانده، می توان یافت.

در بیت زیر شاعر دین خودش که اسلام است را بیان می دارد و یکی از مباحث اسلامی مربوط به ازدواج با زنان سایر ادیان را بیان می کند.

برگزیدم یا مسلمانی نگاری عیسوی      حبذا با مذهب اسلام گل چیدن خوش است

(آیتی، 1346: 155)

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَ طَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلٌّ لَكُمْ وَ طَعَامُكُمْ حَلٌّ لَهُمْ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَ لَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (قرآن، مائده: 5).

«امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده و همچنین طعام اهل کتاب برای شما حلال است و طعام شما برای آنها حلال و نیز زنان پاکدامن از مسلمانان و زنان پاکدامن از اهل کتاب حلالند، زمانی که مهر آنها را بپردازید و پاکدامن باشید نه زناکار و نه آن که زنان را در پنهانی دوست خود بگیرید. و هر کس در ایمان خود شک کند، قطعاً عملش تباه شده و در آخرت از زیانکاران است.»

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَ مَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (قرآن، آل عمران: 19).

«در حقیقت دین در نزد خدا همان اسلام و کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده، با یکدیگر به اختلاف نپرداختند مگر پس از آن که علم برای آنان حاصل آمد، آن هم به سابقه حسدی که در میان آنها وجود داشت. و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، پس بداند که خدا زود شمار است.»

در بیت زیر شاعر بیان می دارد که او شیعه است و پیرو مذهب جعفری می باشد.

از شافعی و مالکی، اسرار حقیقت      بیهوده مجو، بایدهش از بوالحسن آموخت

(آیتی، 1346: 133)

**4-5 هشدار و انداز، تشویق و تهییج:** گاه گوینده و نویسنده با صراحت امر و نهی نمی کند بلکه شنونده و خواننده را از

انجام کاری می ترساند و بر حذر می دارد یا برای به شوق افکندن و انگیزه دادن به او، از آیات قرآن یا اخبار و احادیث بهره می گیرد. به عبارت دیگر، آنچه در این مورد مطرح می شود نیازمند استدلال و شرح و تفسیر نیست زیرا مخاطب، در حقیقت آن تردیدی ندارد و استشهاد و تمسک گوینده به آیات و احادیث، بیشتر برای آن است که پرهیز او را تقویت کند یا اشتیاقش را فزونی بخشد.

گیرم اندر سلطنت باغ ارم آراستی      یاد کن از عاد و ترک شیوه شتاد کن

(آیتی، 1346: 238)

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ، وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ (قرآن، الحاقه: 5 - 6).

«اما ثمود به سزای سرکشی خود به هلاکت رسیدند و اما عاد به وسیله تندبادی توفنده و سرکش، هلاک شدند».

**4-6 تفسیر خاص:** این هدف بیشتر در آثار عرفانی یا تأویل‌های مذهبی مصداق دارد که شاعر یا نویسنده می‌کوشد آیه یا حدیث را تفسیری عارفانه یا تأویلی عالمانه کند، که همراه با استشهاد، تأثیر کلام خود را افزونی بخشد و پذیرش آن را موجه‌تر کند.

ای راهروان، کوشش و همت بنمایی	ره در حرم حضرت عزت بنمایید
از عالم کثرت سفری جانب وحدت	توحید خداوند زکثرت بنمایید
اثبات وجود ازل و قدرت حکمت	از نظم جهان در همه خلقت بنمایید
لَمْ يُولَدْ و لَمْ يَتَّخِذْ و لَمْ يَلِدْ را	از لم یکن و از صمدیت بنمایید

(آیتی، 1346: 46)

این اشعار در توحید و یگانگی خداوند است که شاعر برای تأیید وحدانیت و یگانگی خداوند از آیه‌هایی در شعر خود استمداد و یاری می‌جوید.

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ و لَمْ يُولَدْ، و لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (قرآن، اخلاص: 1 - 4).

«بگو اوست خدای یگانه، خدای صمد ثابت متعالی، کسی را نزاده و زاده نشده است، و هیچ کس او را همتا نیست»

و قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا و لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ و لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ و كَبْرُهُ تَكْبِيرًا (قرآن، اسراء: 111).

«و بگو ستایش خدایی را که نه فرزند گرفته و نه در جهاننداری شریکی دارد و نه خوار بوده که نیاز به دوستی داشته باشد و او را بسیار بزرگ شمار».

**4-7 استشهاد از طریق مقایسه یا بیان تفضیل:** در ادب ستایشی استشهادها غالباً از نوع مقایسه‌ای است و حتی گاه

جنبه تفضیلی دارد.

یک قطره ز بحر تو بود حکمت ادریس یک پایه ز قدر تو مثل کرسی بلقیس

(آیتی، 1346: 275)

وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِدْرِيسَ اِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا، وَ رَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا (قرآن، مریم: 56-57).

«در این کتاب از ادریس یاد کن که او راستگویی پیامبر بود و ما او را به مقامی بلند ارتقا دادیم».

**4-8 تجلیل و تبجیل:** اشعار آیت الله آیتی در توحید و نعت پیامبر اسلام (ص) و منقبت حضرت مولی الموحدین علی (ع)

و مدح ائمه اطهار مشحون از این عشق وصف ناپذیر است.

بردند سجده خیل ملک نزد بوالبشر	در صلب او چو آمده مضمهر علی علی
کشتی نوح را که به جودی قرار یافت	جود علی است کامده لنگر علی علی

(آیتی، 1346: 9)



## 5- کاربرد آیات و احادیث در دیوان درغلطان آیت الله محمد حسین آیتی بیرجندی

نمونه‌هایی از اشعار و ابیاتی که به‌طور مستقیم و یا به‌صورت مضمون به آیات قرآن کریم و احادیث و روایات پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) اشاره دارد همراه با آیات و احادیث مورد نظر در ذیل ذکر شده است.

ز کمال و حسن جمال او، ز شکوه و مجد و جلال او ولهت عقول ذوی الحجی، سکر ت قلوب اولی النهی

(آیتی، 1346: 1)

كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النَّهْيِ (قرآن، طه: 54).

«مسلماً در اینها نشانه‌های روشنی برای خردمندان است»

شاهباز کرامتش ز شرف بر سر سدره آشیانه زده

(آیتی، 1346: 43)

عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى (قرآن، نجم: 14) «نزدیک سدره المنتهی».



خال هندویش در آتش فتنه و همچون خلیل بر رخس برد و سلام آتش گلستانی کند

(همان: 188)

در آتش افکند با دست مستان کند آتش در آخر چون گلستان

(همان: 302)

قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ (قرآن، انبیا: 69).

«ما خطاب کردیم که ای آتش، سرد و سالم برای ابراهیم باش».



موسی اگر کند ید بیضاء ز آستین کوتاهش آستین بر اعجاز معجز است

(آیتی، 1346: 15)

آفتابی ز خم آورد به مجلس ساقی ریخت در ساغر و اعجاز ید بیضا کرد

(همان: 211)

وَاضْمُمُ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَىٰ (قرآن، طه: 22).

«و دست خود را به پهلویت ببر سپید بی گزند بر می‌آید، این معجزه‌ای دیگر است».



از آیت تطهیر شناسید که بایست تسلیم چنین امر به عترت بنمایید

(آیتی، 1346: 24)

وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (قرآن، احزاب: 33).

«و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار نکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستادش را فرمان برید. خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان پیامبر بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند».



گر آیتی سخنی گوید از مدینه علم غلام حلقه بگوش در سرای علی است

(آیتی، 1346: 150)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيُّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ

«من شهر علمم و علی درب آن است، پس هر کس علم را می‌خواهد، باید که از درب آن وارد شود» (ابن جوزی، بی تا: 47؛ طبری، 1997، ج 3: 137).



من بنده‌ی آنم که دل از همت والا اندر پی این حیفه‌ی مردار نبسته

(آیتی، 1346: 246)

حضرت رسول الله (ص) فرمود: الدُّنْيَا حَيْفَةٌ وَ طُلَّابُهَا كِلَابٌ (فروزانفر، 1361: 216)

«دنیا مردار است و جویندگان و طالبان آن سگ‌هایند».



هرگز نبود روی زمین خالی و عاری در هر زمینی فحش ز حجت بنمایید

(آیتی، 1346: 47)

قال امیرالمؤمنین علی (ع): وَلَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ سَاعَةً وَاحِدَةً مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَ لَكِنَّ الْحُجَّةَ يَعْرِفُ النَّاسَ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ كَمَا كَانُوا يُوسِفُ النَّاسَ وَ هُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «اگر یک لحظه زمین از حجت خدا خالی بماند ساکنان خود را فرو می‌برد، حجت خدا در روی زمین است، او همه را می‌شناسد ولی کسی او را نمی‌شناسد. چنان‌که یوسف مردم را می‌شناخت ولی کسی او را نمی‌شناخت» (مجلسی، 1378: 338)



نسیم روضه قدسم همی رسد به مشام مگر مقام اویسی و نکهت یمن است

(آیتی، 1346: 97)

ندیده برده‌ای از جا، دل رمیده من را چنان که حسن پیامبر دل اویس قرن را

(همان: 113)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): تَفُوحُ رَوَائِحِ الْجَنَّةِ مِنْ قَبْلِ قَرْنٍ وَ اشَوْفَاهُ إِلَيْكَ يَا أُوَيْسَ الْقَرْنِيُّ أَلَا وَ مَنْ لَقِيَهُ فَلْيَقْرَأْهُ مِنِّي السَّلَامَ (دشتی،

1383: 162)

رسول خدا (ص) فرمودند: «بوی بهشت از جانب منطقه «قرن» به مشام می‌رسد. ای اویس قرنی آه که چقدر مشتاق دیدار تو هستم. آگاه باشید هرکس اویس قرنی را ملاقات کرد سلام مرا به او برساند».



طیب و صلوه و محبت یار فرشته خوی کرد اختیار ختم رسل از همه نعم

(آیتی، 1346: 229)

قَالَ النَّبِيُّ (ص): حَبَّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثَ: الطَّيِّبِ وَالنِّسَاءِ وَ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ

(ابن ابی الحدید، 1404ق: 341)

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «سه چیز از دنیای شما برای من دوست داشتنی است، عطر، زنان و نور چشم من در نماز است».

## نتیجه

احاطه‌ی آیتی بر قرآن کریم و احادیث و انس او با معارف دینی سبب شده که مضمون و محتوای بسیاری از اشعارش از آیات قرآنی اقتباس گردد. تحلیل و بررسی شیوه‌های کاربرد قرآن و حدیث در درّ غلطان نشانگر تأثیر روش و سبک‌نویسی و قصه‌های قرآنی در اشعار آیتی می‌باشد. شیوه‌ی او در طرح مباحث، هشدار، انداز مخاطب، تهییج و تشویق شنونده به انجام اعمال صالح صبغه‌ی آیتی دارد. طُرفه آنکه وی داستان پردازی قرآن را الگویی مناسب برای بیان پاره‌ای از حقایق می‌داند و با تلمیح به داستان پیامبران و بهره‌گیری از تشبیهات و استعارات زیبا، خواننده را به تفحص و کاوش در زندگی اولیاء الهی فرا می‌خواند. آیتی می‌کوشد بنا به سفارش پیامبر اکرم (ص) از امانات گرانبهای او یعنی قرآن و اهل بیتش (ع) به درستی استفاده کند و راه و هدف و آینده‌ی سعادت بخشی را برای خود و همه مسلمانان با توجه به دستورات قرآن و راهنمایی‌های آن ترسیم نماید.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مهدی فولادوند.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۳. آیتی، محمد حسین (1327). بهارستان: در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۴. ----- (1346). دیوان درّ غلطان. تهران: چاپخانه دانشگاه تهران.
۵. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبیه الله (1404). شرح نهج البلاغه. تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۶. ابن حنبل، امام ابوعبدالله احمد بن محمد (1983م). فضائل الصحابه. تحقیق و استخراج احادیث وصی الله بن محمد عباس. السعودیه: دارالعلم.
۷. پاینده، ابوالقاسم (1366). مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص) (نهج الفصاحه). تهران: جاویدان.
۸. حلبی، علی اصغر (1371). تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی. تهران: اساطیر.
۹. دشتی، محمد (1383). فرهنگ سخنان پیامبر (ص). قم: امیرالمؤمنین.
۱۰. راشد محصل، محمدرضا (1389). پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۱. زنگویی، حسین (1385). شاعران قهستان. تهران: نشر روزگار.
۲۱. ابن جوزی، شمس الدین ابوالمظفر یوسف بن فرغلی حنفی (بی تا). تذکره الخواص. تحقیق محمد صادق بحر العلوم. تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.

۳۱. طبری، محب‌الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله (۱۹۹۷م.). الرياض النضرة فی مناقب العشره. تحقیق و استخراج عبدالمجید طعمه حلبی. بیروت: دار المعرفه.
۴۱. فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۶۱). احادیث مثنوی. تهران: امیرکبیر.
۵۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق.). الکافی. تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶۱. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۸). مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار). ترجمه علی‌دوانی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

